

ارزیابی از کتاب “ آیا می توان سرهای هیدرا را قطع نمود؟” -

دکتر ابراهیم بیومی غانم - سایت الجزیره. دات نت - برگردان احمد مزارعی - مترجم: این مقاله
ارزیابی از کتاب “ آیا می توان سرهای هیدرا را قطع نمود؟” تالیف دانی برکوویچ است که توسط
دکتر ابراهیم بیومی غانم ** صورت گرفته است.



برکوویچ می افزاید: “ یکی از خطرناک ترین دستاوردهای حزب الله ایجاد شبکه های خدمات اجتماعی است. این شبکه ها خدمات متعددی را به گروههای مختلف مردم شامل خانواده ها، موسسات عمومی ، موسسات دولتی و نیمه دولتی ، روستائیان عشایر و خانواده های آنان از این خدمات بطور مجانی بهره می برند. این موضوع یکی از اسرار اصلی ریشه دوانی حزب الله در میان بخش های گسترده ای از مردم لبنان است. تا هنگامیکه این شبکه های بسیار گسترده خدمات اجتماعی وجود دارند ارتباط حزب الله با مردم نیز هر روز قویتر می شود. ایجاد مخالفت با مقاومت و کشاندن آنان بر علیه حزب الله کاریست بسیار مشکل ، اسرائیل راه بسیار طولانی در پیش دارد تا بتواند این مرحله را به پایان برساند. موفقیت حزب الله در این زمینه ما را وادار می دارد که بتوانیم برنامه هایی را تنظیم کنیم که پروژه های خدمات شهری حزب الله را از میان برداریم و یا آنها را نیمه فلج کنیم. در عملیات استشهادی حزب الله لبنان بیش از نصف شرکت کنندگان ، اعضای حزب کمونیست لبنان بودند. حزب الله لبنان موفق شده با گروههای مهمی همچون حزب کمونیست لبنان ، حزب کار لبنان ، حزب میشل عون که نمایندگی ۷۰ درصد از مسیحیان لبنان را بر عهده دارد، اتحادیه های کارگری، و بسیار از احزاب و سازمانهای کوچک و بزرگ دیگر وارد یک ائتلاف شود و امور کشور را با کمک یکدیگر اداره کنند.

نگاهی به استراتژی های اسرائیل برای تضعیف مقاومت

هیدرا نام موجودی افسانه ای است که ۷ سر دارد و هر گاه یکی از سرهای این موجود را قطع کنند، دو سر دیگر به جایش خواهد روئید. همچنانکه نمی توان با قطع سر هیدرا از او خلاصی یافت، مقاومت نیز چنین است. تحت هیچ شرایطی نمی توان بر مقاومت غلبه یافت و آنرا نابود کرد. این درسی است که تاریخ در مورد تمام جنبش های مقاومت ملی به ما می دهد. این نگاهی واقعی به مقاومت است. همچنین این درسی است که اکثر مراکز مطالعاتی و استراتژیکی و امنیتی در کشور اسرائیل از آن آموخته اند.

تازه ترین کتابی که در این زمینه انتشار یافته ، تحت عنوان “ آیا ممکنست که سر هیدرا را قطع نمود؟ جنگ برای تضعیف حزب الله لبنان”. می باشد. این کتاب توسط دانی برکوویچ نوشته شده است و در پایان سال ۲۰۰۷ از طرف “ انستیتوی امنیت ملی اسرائیل” وابسته به دانشگاه تل آویو انتشار یافته است. این کتاب کمتر از یک سال و ۶ ماه پس از جنگ ۳۳ روزه لبنان با حزب الله و یکسال قبل از جنگ اخیر غزه بر علیه مقاومت مردم فلسطین ، یعنی در پایان سال ۲۰۰۸، و شروع سال ۲۰۰۹ منتشر شده است.

دولت اسرائیل این حقیقت تغییر و تبدیل ناپذیر را به وضوح دریافته است که جنبش مقاومت ملی و توده ای را در کشورهای عربی نمی توان ریشه کن نمود و یا آنرا خفه کرد. این مقاومت تا پایان عمر دولت اشغالگر اسرائیل و آزادی سرزمین فلسطین بدون وقفه ادامه خواهد یافت. دولت اسرائیل تمام توانایی های خود را صرف این می کند و به این امیدوار است تا شاید بتواند مقاومت سرسختانه ای را که در لبنان به رهبری حزب الله و در فلسطین به رهبری حماس با آن روبروست تضعیف کند. این تنها امید دولت اسرائیل است.

اکنون دولت اسرائیل استراتژی تضعیف مقاومت را در پیش گرفته زیرا از عهده نابود کردن آن بر نیامده است. دولت اسرائیل در سالهای طولانی گذشته با ترور هر عضوی از سازمانهای مقاومت، متوجه شد که تعداد بیشتری نیرو به جایش آمده اند. دقیقاً همچون “ هیدرا” با قطع هر سری ، ۲ سر به جایش روئیده است.

دانی برکوویچ یکی از برجسته ترین استراتژیست های اسرائیلی در مسائل امنیتی است و انتخاب کلمه «هیدرا» بوسیله او برای عنوان کتاب، نشاندهنده راهیست که او و دولت اسرائیل برای رودرروی با مقاومت در لبنان و فلسطین در پیش گرفته اند. منظور از تالیف این کتاب این بوده است تا به این سوال پاسخ داده شود : چگونه می توان جنبش مقاومت ملی در لبنان را به رهبری حزب الله تضعیف نمود. این وظیفه هنگامی در راس کار استراتژیست های امنیتی اسرائیل قرار گرفت که هینت «وینوگراد» به توانایی های مقاومت لبنان اعتراف نمود. قابل توجه اینکه هینت وینوگراد عالی ترین مرجع تصمیم گیری و

قضاوت در اسرائیل است که برای مسائل مهمی که مربوط به امنیت کشور است برگزار می شود. نویسنده از این موضع حرکت می کند که تنها از راه تضعیف مقاومت است که می توان خطری را که امنیت ملی اسرائیل در منطقه را تهدید می کند، متوقف ساخت. وی باور دارد که مقاومت در لبنان و فلسطین تضعیف نمی شود، مگر اینکه اسرائیل بتواند نقش آنان را در معادلات منطقه ای از وضعیت کنونی به درجه ای پایین تر تقلیل دهد.

سوال استراتژیک اینست که چگونه می توان این مقاومت را تضعیف نمود. آنچه که مولف در کتاب بشرح آن پرداخته بیشتر در مورد تضعیف نمودن حزب الله لبنان است، اگرچه می توان کم و بیش آنرا در مورد سازمان حماس نیز مشاهده نمود.

آنچه که ما در اینجا به خواننده ارائه می دهیم، مطالعه و مرور گذرای است از کتاب و نه شرح کامل و گسترده آن. در عین حال اشاراتی خواهیم داشت به وضعیت مقاومت فلسطین در پرتو محتویات کتاب. زیرا این کتاب در مجموعه خود بطور عمده به مقاوت لبنان اختصاص یافته است.

نویسنده کتاب در دو فصل اول به شرح و تحقیق و بررسی عناصر اصلی مقاومت در تشکیلات حزب الله پرداخته و در دو فصل بعدی به این مسئله پرداخته که چگونه می شود این عناصر قدرت و مقاومت را در حزب الله تضعیف نمود. وی سه عنصر اصلی را برای تضعیف نمودن بدین شکل بر می شمارد:

۱: قدرت عقیده و ایمان، اصلی که پایداری در امر مقاومت را به هر قیمتی تضمین می نماید. ۲: نیروی ریشه دار و عمیق مقاومت در مردم و توانایی در امر گسترش در میان اجتماع. ۳: توانایی ارتباط گیری در سراسر منطقه میان گروه های مختلف مقاومت بویژه در برخی کشورهای صبیانگر یا (دول محور شر بر اساس توصیف آمریکا، همچون ایران و سوریه) بر اساس ارزیابی نظریه صهیونیستی مولف در کتاب، همه عناصر یادشده نیاز به وسیله یا وسایلی دارند که بشود توانایی و عملکرد عناصر فوق را به حداقل رساند. اما در مجموع با تضعیف شدن این عناصر و به حداقل رسانیدن توانایی آنهاست که می توان امیدوار بود هدف استراتژیک ما به نتیجه رسیده است. موضوع فصل سوم و چهارم کتاب اینست که چه سیاست هایی تنویریک و عملی را می توان در پیش گرفت تا عناصر برشمرده شده را تضعیف نمود. در پایان کتاب نویسنده سناریوهایی را پیشنهاد می کند که بر اساس آن احتمال دارد مقاومت در برابر اسرائیل قدرتمند تر شده و به حیات خود ادامه دهد.

استراتژی های تضعیف نمودن قدرت ایمان و عقیده

نویسنده می گوید اسرار جزئیات قدرت عقیده بویژه آنگاه که تبدیل به عمل در میدان می گردد را دنبال کند. از این رو برکوویچ می نویسد: یکی از مفردات قدرت ایمان در نزد "حزب الله" شهادت است. شهادت آن چیزی است که قدرت عقیده و ایمان را از سطح نظری به مرحله عملی در زمانی و مکانی مشخص به حیطه عمل در می آورد. شکست ارتش اسرائیل و آزادسازی جنوب لبنان در نتیجه بهره برداری از اعتقاد به شهادت بود. (۱) همین نظریه است که نیروهای مقاومت آزادسازی فلسطین نیز در دستور کار خود دارند و آنان نابودی اسرائیل را از این منظر می نگرند.

این خلاصه نظر نویسنده کتاب در مورد شهادت است. وی در ادامه می افزاید "دولت آمریکا با همراهی اسرائیل باید بکوشند فرهنگ مقاومت را بطریق مختلف در میان مردم منطقه از محتوای اصلی آن تهی کنند. ما باید بتوانیم این فرهنگ را از هر سو محاصره نموده و هر آن کسی را که کوچکترین شکی در مقاومت دارد مورد تشویق و پشتیبانی قرار دهیم. این باور فولادین باید به هر شکلی متلاشی شود. زیرا مرجعیت و خطر اصلی مقاومت در برابر استعمار و اشغالگری از این فرهنگ بر می خیزد. فعالیت ها و سرزندگی و شور و شوق مقاومت از این منبع سرچشمه می گیرد و ما باید این سرچشمه را بخشکانیم. ما باید از هر امکانی برای وارد آوردن بر این تفکر بکوشیم. بویژه ما باید بتوانیم به تفرقه در میان اردوگاه شیعه و سنی دامن زده و سپس هر دو را کاملاً از میان برداریم.".... "موضوع دیگری که باید برای آن اهمیت بسیاری قائل باشیم، باید بتوانیم میان دولت سوریه و حزب الله شکاف ایجاد کنیم. این امر می تواند از طریق دادن امتیازات بسیار سخاوتمندانه به دولت سوریه عملی شود. امتیازات ما باید آنقدر سخاوتمندانه باشد که سوریه نتواند از آن سرباز زند و بتواند با استفاده از آن حزب الله را قربانی کند. "....." عراق و فلسطین نیز دو منطقه بحرانی است که حزب الله می کوشد با دخالت در آنها و بکارگیری نیروهای مقاومت در جهت تضعیف اسرائیل حرکت کند. دولت آمریکا و اسرائیل باید بدانند که هر پیروزی حزب الله در این دو منطقه به معنی شکست سیاست های هر دو کشور آمریکا و اسرائیل خواهد بود. هر پیروزی حزب الله در این دو منطقه به فوریت موجب تزلزل نیروهای سنی وابسته به آمریکا می گردد. دولت آمریکا باید بکوشد که جنگجویان بنیادگرای سنی را از عراق و فلسطین به لبنان منتقل کرده و با دامن زدن به جنگ و تفرقه میان جریانات سنی و شیعه موجب تضعیف همه آنها و در عین حال موجب سست شدن باورهای مذهبی و در نتیجه از بین رفتن روحیه مقاومت میان آنان خواهد شد. این برنامه در صورت موفقیت تاثیر بسزایی حتی در نیروهای جوان و نسل های آینده منطقه خواهد داشت. و آنان را بر ضد مقاومت سوق خواهد داد. در این صورت و تنها با این سیاست است که اسرائیل می تواند به اهداف اصلی خود که همانا وارد آوردن ضربه خرد کنند بر قدرت عقیده و ایمان حزب الله در لبنان است جامه عمل بپوشاند."

برکوویچ هشدار می دهد که حزب الله برای ارتقا سطح دانش امروزین افرادش از صرف عمل جنگیدن بیشتر اهمیت می دهد. حزب الله برای این منظور، سرمایه هنگفتی در زمینه تبلیغات بکار انداخته است. کانال تلویزیونی مجهز "المنار"، ایستگاههای متعدد رادیویی، ایستگاههای بسیار زیاد اینترنتی بویژه به زبان عبری (۲) انتشار کتابها، نشریات و نشریات فصلی که موجب انزجار و سردرگمی دولت اسرائیل گردیده است. حزب الله با این کار خود انحصار سنتی "به تنها قاضی رفتن" اسرائیل را طی دورانی طولانی درهم شکسته است. هم اکنون جهانیان به روایت تازه ای از اوضاع سیاسی در خاورمیانه دست یافته اند که حاوی توضیحات دقیق علمی و تحلیل های سیاسی از نیروهای مقاومت در منطقه می باشد. این امر موجب شده است که تبلیغات تا کنونی رژیم اسرائیل بر ملا شده و صدق گفتارهای کنونی اسرائیل نیز زیر سوال رفته است. افکار عمومی جهان شاهد نظرات تازه و شنیدن حقایق دیگری هستند. این پیروزی حزب الله در جنگ اطلاعاتی در جهان موجب آن شد که نیروهای مقاومت در فلسطین نیز دست به تاسیس پایگاههای اطلاع رسانی زنند که هر روز در حال گسترش است. دو کانال تلویزیونی "اقصی" و "قدس" که بتازگی تاسیس یافته اند به لحاظ جدیت برخورد به مسائل و تحلیل و تشریح وقایع از نظر موضوعی در مدت کوتاهی جایگاهی معتبر و محترمانه در میان شنوندگان و بینندگان خود بدست آورده اند. هم اکنون این دو کانال از بسیاری کانال های تلویزیونی کشورهای عربی با دهها سال سابقه پیشرفته تر هستند. تجزیه و تحلیل های علمی و دقیق این دو کانال موجب شده تا

تبلیغات دولت اسرائیل بر علیه "حماس" بی اثر شود. از آنجا که نیروی عقیده و ایمان تعیین کننده و سرمایه اصلی مقاومت در مبارزه با اسرائیل است، برکوویچ پیشنهاد می کند که ما باید چهره تازه ای را از مقاومت ترسیم کنیم که بر اساس احزاب، جنبش ها و رهبران اما بر اساس توضیحات طایفه ای، مذهبی و شیعه و سنی تبلیغ شود.

برکوویچ ادامه می دهد: "مقاومت لبنان در بسیاری از زمینه ها برتری خود را بر اسرائیل نشان داده است. تبلیغات آنان نشان داده است که قدرت عقیده و ایمان تنها کلمات نظری و گفتاری نیست بلکه این شیوه انتقال و توضیح آگاهی در میان پیروان، بسرعت تبدیل به نیروی جنگنده در میان پیروان می گردد. همچنانکه شاهد بوده ایم، حزب الله موفقیت های چشمگیری در این زمینه داشته است. تمام نیروهای مقاومت در لبنان و فلسطین به این نتیجه رسیده اند که برندگان اصلی جنگ بر علیه اسرائیل هستند. آنان قاطعانه باور به آزادی بیت المقدس دارند. حزب الله در جنگ تبلیغاتی خود و تجزیه و تحلیل های دقیق از اوضاع منطقه موفق شده است تا توده های وسیعی را از ملت عرب به حقانیت سیاست های خود باورمند سازد. اکنون اکثریت عظیمی باور دارند که اسرائیل جنگ افروز بوده و به اعمال غیر قانونی دست زده است. مقاومت لبنان توانسته است که در این زمینه تعادل را بسود خود برهم زند و ثابت کرده که اسرائیل شکست خوردنی است. روایت معروف بیت النعبوت (۳) که حزب الله از ارتش اسرائیل ارائه داده است، در جنگ ۲۰۰۶ به حقیقت پیوست و هاله مقدسی که ارتش اسرائیل برای خود ساخته بود از میان رفت."

استراتژی های تضعیف ارتباط عمیق توده ای مقاومت

برکوویچ ادامه می دهد: "مسئله بسیار مهمی که اهمیت استراتژیک دارد، تضعیف توانایی های حزب الله در زمینه ارتباط گیری و ریشه دوانیدن در میان عامه مردم است. دولت اسرائیل باید با در پیش گرفتن سیاست هایی بتواند تا مردم را از مقاومت متنفر کند. در پیشگیری سیاست هایی که مشکلات اقتصادی را در جامعه گسترش داده تا بدین وسیله مردم مقاومت را مسنول این مشکلات بدانند. چگونه این سیاست را موفقیت آمیز به پیش برد. در این زمینه می توان استراتژی های متعددی با ابعاد و ابزارهای متعدد در پیش گرفت که به برخی از آنان در اینجا اشاره خواهد شد: تحمیل محاصره اقتصادی و ایجاد گرسنگی در میان مردم، سیاست مهاجرت و جابجایی مردم، وادر آوردن ضربه های دردناک به شهرها و روستاها تحت نام وجود نیروهای مقاومت در آن اماکن، ایجاد پوشش گسترده تبلیغاتی در رسانه مبنی بر اینکه بمبارانها و محاصره اقتصادی حزب الله به خاطر وجود مقاومت و برای دفاع از خود توسط اسرائیل انجام می گیرد، تبلیغ دائمی مبنی بر اینکه نیروهای مقاومت تروریست و آدمکش بوده بیگناهان را می کشند و مسبب مشکلات و جنگ آنان هستند. آری با این سیاست ها می توان نیروهای مقاومت را از محیط اجتماعی خود منزوی و آنان را از بهره برداری از شرایط طبیعی و اجتماعی محروم ساخت."

برکوویچ در ادامه می افزاید: "یکی دیگر از سرمایه های اصلی مقاومت پشتیبانی گسترده اجتماعی است. بعلت حمایت بی قید و شرط شیعیان لبنان از مقاومت، آنان به عمده ترین نیروی سیاسی در کشور لبنان تبدیل شده اند. هم اکنون آنان یکسوم جمعیت لبنان را تشکیل داده؛ در آینده نزدیک آنان به نیروی اصلی لبنان تبدیل خواهند شد. اوضاع در لبنان امروز چنان است که پشتیبانی نمودن از حزب الله به مثابه پروانه ورود به مشروعیت سیاسی کشور است و تقسیم بندی های مذهبی و طایفه ای لبنان این وضعیت را تحمیل می کند."

(۴) بر این اساس هر چه شرکت حزب الله در ارگان های مختلف دولتی بیشتر شود، همپای آن ریشه های اجتماعی آنان نیز عمیق تر، گسترده تر و در نتیجه قدرت عمومی آنان نیز توسعه می یابد."

برکوویچ می افزاید: "یکی از خطرناک ترین دستاوردهای حزب الله ایجاد شبکه های خدمات اجتماعی است. این شبکه ها خدمات متعددی را به گروه های مختلف مردم شامل خانواده ها، موسسات عمومی، موسسات دولتی و نیمه دولتی، روستاییان عشایر و خانواده های آنان از این خدمات بطور مجانی بهره می برند. این موضوع یکی از اسرار اصلی ریشه دوانی حزب الله در میان بخش های گسترده ای از مردم لبنان است. تا هنگامیکه این شبکه های بسیار گسترده خدمات اجتماعی وجود دارند ارتباط حزب الله با مردم نیز هر روز قویتر می شود. ایجاد مخالفت با مقاومت و کشاندن آنان بر علیه حزب الله کاریست بسیار مشکل، اسرائیل راه بسیار طولانی در پیش دارد تا بتواند این مرحله را به پایان برساند. موفقیت حزب الله در این زمینه ما را وادار می دارد که بتوانیم برنامه هایی را تنظیم کنیم که پروژه های خدمات شهری حزب الله را از میان برداریم و یا آنها را نیمه فلج کنیم. نباید به این موضوع اهمیت بدهیم که این موسسات خدمات انسانی و یا مدنی انجام می دهند. اسرائیل همیشه مورد انتقاد سازمانهای حقوق بشری و سایر موسسات کمک رسانی جهانی از جمله سازمان ملل قرار گرفته است. باید بگویم تاثرات منفی این انتقادات به دولت اسرائیل نسبت به اهداف کوتاه مدت و درازمدت ما، در برابر هدف عمده ای که همانا توقف پیشروی مقاومت است چندان مهم بنظر نمی رسد و ما نباید به این انتقادات چندان اهمیت دهیم. رهنمودهای فوق در مورد سازمان حماس نیز صادق است. هم اکنون نفوذ سیاسی و اجتماعی حماس هر روز در میان مردم فلسطین بیشتر می شود. این نفوذ نه تنها در سرزمین های اشغالی، بلکه در میان ساکنان اردوگاههای کشورهای دیگر نیز رو به گسترش است. هر چه این نفوذ گسترش بیشتری یابد، احتمال تبعیت حماس از برنامه صلح مشترک آمریکا- اسرائیل برای منطقه کمتر می شود و موجب وارد شدن ضربات محکمی در روند قرارداد صلح اسلو می شود."

استراتژی های تضعیف قدرت ارتباطات منطقه ای مقاومت

برکوویچ می نویسد: "برای تضعیف کردن ارتباط مقاومت با قدرت های منطقه ای بویژه ایران و سوریه، دو راه در پیش داریم: وعده دادن و تهدید کردن. این دو می تواند در این امر به ما کمک نماید. ما باید بتوانیم بر محتوای بسته های پیشنهادی امتیازات خود آنچنان بیافزاییم تا این دو کشور بپذیرند که داشتن ارتباط با حزب الله و سایر جریانات مقاومت در منطقه بسود آنان نیست و بهتر است به ما بپیوندند. اهمیت وجود ارتباط میان مقاومت لبنان با دو کشور فوق، موجب آن خواهد شد که حزب الله بتواند زمانی طولانی تر به مقاومت ادامه دهد و همچنان برای سیاست های دولت اسرائیل مشکل ایجاد کند. ما باید بتوانیم هر گونه نیروی مقاومت در لبنان و فلسطین را از این امتیاز محروم کنیم. رابطه میان مقاومت لبنان، فلسطین، و سوریه و ایران مثلث استراتژیکی به حساب می آید و رویهم رفته محور مقاومت منطقه را تشکیل می دهند."

از محتوای توضیحات آقای برکوویچ چنین بر می آید که اسرائیل تا کنون کوشش های فراوانی بویژه در مورد اسرائیل بکار برده تا بلکه بتواند در رابطه این کشور با حزب الله تاثیر گذارد، ولی موفقیتی نداشته است. بویژه در مورد بازگرداندن بلندی های

جولان و تحویل آن به سوریه، دولت اسرائیل بارها آمادگی خود را مبنی بر بازگرداندن بلندی های جولان در مقابل قطع رابطه سوریه با حزب الله اعلام داشته است. همین درخواست در مورد رهبران فلسطین نیز که در سوریه بسر می برند نیز دنبال کرده است. دولت اسرائیل هنگامیکه موفق نشد رهبران حماس را در سوریه یا بقتل برساند و یا آنان را مجبور به خارج شدن از سوریه نماید، مجبور گردید در جنگ اخیر بطور یکجانبه آتش پس اعلام کرده و از غزه خارج شود که در نتیجه موجب اعتبار و تقویت جبهه مقاومت فلسطین گردید. آتش بسی یک جانبه و گریز از جنگ لبنان نیز در سال ۲۰۰۶، موجب پیروزی حزب الله گردید.

(۵)

مراکز اصلی تصمیم گیری های استراتژیک در اسرائیل راههای مختلفی را برای از میان برداشتن حزب الله در پیش گرفته اند. یکی از این نظرات بنام "استراتژی شقه کردن منظومه شمالی" می باشد که هم اکنون آمریکا و اسرائیل بر روی این برنامه کار می کنند. زیرا به نظر آنان حلقه ضعیف در منطقه سوریه می باشد. سوریه را می توان یا با جنگ و یا با دادن امتیازات شقه کرد. در صورتیکه این امر در مورد ایران امکان ندارد زیرا این کشور توانایی مقاومت را در زمینه های مختلف دارد. برکوویچ در جایی دیگر می نویسد: "کوتاهترین راه برای وارد آوردن ضربه به هر دو مقاومت لبنان و فلسطین ساقط کردن حکومت اسلامی در ایران است. زیرا دولتی که بعد از سقوط رژیم بر سر کار آید، متعادلتر خواهد بود و در انصورت سیاست "چماق و نان شیرینی" به سهولت می تواند بر تعدیل رابطه میان ایران و حزب الله موثر واقع شود. اما علیرغم اینکه آمریکا نیز با این سیاست موافق است، بویژه به علت فعالیت های هسته ای ایران؛ جامعه جهانی نیز بشدت مخالف سیاست های ایران است، اما حالتی نامطمئن و همراه با شک و تردید وجود دارد که بتواند مردم ایران را از درون بر علیه رژیم اسلامی به حرکت در آورد. این امر موجب آن می شود که سرنگونی رژیم شانس کمتری داشته باشد. در مورد اسرائیل باید بگویم که ما تاثیر بسیار ضعیفی در این راه می توانیم داشته باشیم."

برکوویچ در ادامه می افزاید: "در مورد اختلاف میان ایران و سوریه بسیار با ارزش و از اهمیت زیادی برخوردار است که ما بتوانیم میان این دو کشور شکاف ایجاد نماییم. اگر اسرائیل موفق به ایجاد این اختلاف و شکاف میان دو کشور مزبور شود، براحتمی خواهد توانست مقاومت را فیما بین این دو به تجزیه و شکست بکشانند. از نظر استراتژیکی به نفع ما خواهد بود تا بتوانیم در شرایط فعلی میان ایران و مقاومت لبنان شکاف ایجاد کنیم. زیرا ایران نه فقط پشت جبهه سیاسی و ایدئولوژیک حزب الله بشمار می آید، بلکه ایران تنها پشتیبان اصلی حزب الله است و غیر از ایران آلترناتیو دیگری در مقابل حزب الله نیست که بتواند بر روی آن تکیه نماید. بر این اساس وارد آوردن ضربه میان این دو زمینه ای فراهم خواهد آورد تا ما بتوانیم سایر برنامه های خود را در منطقه به پیش ببریم.

"آقای برکوویچ نتایج مطالعات و نوشته های خود را که از نظر استراتژیک بسیار مهم است را در این کتاب به صورت ۵ سناریو ادامه می دهد که توضیح همه آن در این نوشته کوتاه غیرممکن است. علاقمندان باید اصل کتاب را مطالعه نمایند تا به مجموعه نظرات استراتژیکی وی آگاه شوند. اما در عین حال هدف اصلی مولف این بوده تا به این سوال پاسخ داده شود "آیا ممکنست سرهای هیدرا را قطع کرد؟"

** دکتر ابراهیم بیومی غانم: استاد علوم سیاسی و رئیس بخش "تطبیقی افکار عمومی" در مرکز ملی مطالعات اجتماعی کشور مصر می باشد.

توضیحات مترجم:

۱: در مورد تعداد عملیات نظامی و استشهادی حزب اله بر علیه اسرائیل:

- از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹، ۱۰۰ عملیات.

- از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵، ۱۰۳۰ عملیات

- از ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰، ۴۹۲۸ عملیات

بدین شکل اسرائیلی ها مجبور به تخلیه جنوب لبنان شدند. در عملیات استشهادی حزب الله لبنان بیش از نصف شرکت کنندگان، اعضای حزب کمونیست لبنان بودند. طی دو عملیات استشهادی در مقر فرانسویان و آمریکایی ها اولی ۴۰۰ و دومی ۲۲۰ نفر بقتل رسیدند و این امر موجب شد که هر دو کشور اشغالگر آمریکا و فرانسه بسرعت از لبنان خارج شوند. آمارها از نویسنده کریس هارمان.

۲: حزب الله لبنان به منظور آموزش زبان عبری از دوره ابتدایی دانش آموزانی را تا سطح عالی تخصصی آموزش می دهد تا آنان بتوانند بدرستی از اداره کردن برنامه های رادیویی، تلویزیونی و مطبوعاتی بزبان عبری برای حزب الله برآیند. بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ جبهه آزادیبخش فلسطین برهبری جرج حبش نیز از این شیوه استفاده می کرد.

۳: پس از شکست ارتش اسرائیل در ۲۰۰۶، حزب الله در حومه بیروت جایگاهی را بشکل خانه عنکبوت ایجاد نموده بود که در لابلای تارهای آن آدمک هایی بشکل رهبران سیاسی و نظامی اسرائیل در درون تارهای عنکبوت چسبانیده شده بودند. و با وزش باد مصنوعی آنان به حرکت در می آمدند. این مرکز بیشتر برای جلب توریست شناخته شده بود. الکس فیثمان تحلیلگر روزنامه حاررتص پس از شکست اسرائیل از حزب الله، کتابی در ۷۰۰ صفحه تحت عنوان فوق: "بیت ال عنکبوت" تالیف نمود که جزو پرفروشترین کتابهای آن سال به حساب می آمد. هدف فیثمان این بود که نشان دهد ارتش اسرائیل در یک جنگ واقعی «عنکبوتین» خواهد بود.

۴: حزب الله لبنان موفق شده با گروههای مهمی همچون حزب کمونیست لبنان، حزب کار لبنان، حزب میشل عون که نمایندگی ۷۰ درصد از مسیحیان لبنان را بر عهده دارد، اتحادیه های کارگری، و بسیار از احزاب و سازمانهای کوچک و بزرگ دیگر وارد یک ائتلاف شود و امور کشور را با کمک یکدیگر اداره کنند. در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، شیعیان لبنان از نظر جایگاه اجتماعی در پست ترین جایگاه قرار داشتند. بسیار فقیر تحقیرشده و بی مقدار بودند. شیوخ عرب و سران عربستان دختران اهالی جنوب لبنان را به ثمن بخش به ازدواج خود درآورده و به کشورهای خود می بردند. با در پیش گیری روش مقاومت بتوسط حزب الله و در ارتباط با جنبش فلسطین از سالهای ۱۹۷۰ کم کم آنان به نیروی اصلی تبدیل شده و امروز آنان موجب افتخار و سربلندی لبنانی ها می باشند.

۵: خلاصه ای از جنگ ۳۳ روزه : بنا به گزارشی که از طرف وزارت خارجه فلسطین بتوسط خانم « حنان احمیس » منتشر شده چنین آمده است: «در ژانویه ۲۰۰۶، ۶ ماه قبل از شروع جنگ ماموران امنیتی سه کشور اسرائیل، آمریکا و انگلیس در پنتاگون گرد هم می آیند و سناریویی ۶ روزه برای پایان دادن به وجود حزب الله تنظیم می کند. ...روز سوم قرار بوده است تا حسن نصرالله و اطرافیانش دستگیر و به گوانتانامو برده شوند.... روز پنجم نیروهای ناتو قرار بوده است در میان مرز اسرائیل و لبنان مستقر می شدند ... و روز ششم ناو هواپیمایر آمریکایی که آن روزها در نزدیکی سواحل لبنان لنگر انداخته بود ، می بایست در بندر بیروت مستقر شود و بدین وسیله فاتحه مقاومت و حزب الله لبنان خوانده می شد. پس از سرکوب مقاومت، باید به مدت دو روز سوریه بمباران هوایی و کاملا تخریب میشد و در ادامه جنگ گسترده و بمباران های شدید هوایی بر علیه ایران آغاز می شد و همه زیربناهای صنعتی ، شهری، نظامی و غیره نابود می شدند و با این شکل کشورهای منطقه و از جمله ایران به فضل کرامات آمریکا و اسرائیل وارد مرحله دموکراسی و حقوق بشر آمریکایی می شدند. اما باید گفته شود که این حقوق بشر و دموکراسی آمریکا بر آنان و پیروان خودفروخته اشان مبارک باد. ما ایرانی ها بهتر است با کمک زنان، مردان، کارگران و دانشجویان و همه اقشار ترقی خواه ، خود آزادی و عدالت اجتماعی در ایران را مستقر نماییم . خبر مربوط به جنگ فوق توسط سیمورهرش نیز تائید شد.

آرشیو: [احمد مزارعی](#)